

سخنگوی وزارت بهداشت در گفت‌وگو با «ایران»:

## بیش از سه هزار نفر از مجروحان جنگی زنان هستند

### گزارش خبری

#### محدثه جعفری

گروه اجتماعی

هفده روز از آغاز جنگی که از طرف دشمن کودک‌کش صهیونی-آمریکایی به کشور تحمیل شده، می‌گذرد و همچنان این حملات وحشیانه جان هموطنان غیرنظامی این سرزمین را می‌گیرد. به گفته مسئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، روزانه ۱۰۰ نفر از مردم ایران اعم از کودکان، سالمندان، مردان و زنان به شهادت می‌رسند. بی‌آنکه جوامع بین‌المللی تلاشی برای محکومیت این جنایت علیه بشریت انجام دهند. آمار و ارقام نشان می‌دهد تاکنون تعداد قابل‌توجهی از هموطنانمان دچار مجروحیت ناشی از حملات جنگی دشمن شده‌اند. همچنین عده زیادی مداوا شده، اما هنوز بیش از یک‌هزار نفر از مجروحان تحت درمان قرار دارند.

دکتر حسین کرمان‌پور، سخنگوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به سکوت جوامع بین‌المللی به «ایران» می‌گوید: «به‌رغم هزینه‌هایی که برای سازمان‌های جهانی انجام می‌شود، اما اقدامات ددمنشانه رژیم صهیونیستی و آمریکا نادیده گرفته شده و این مجامع بین‌المللی ناکارآمدتر از همیشه جلوه می‌کنند. بر اساس آماري که داریم، روزانه حدود ۱۰۰ نفر از هموطنان مان به درجه رفیع شهادت ناآلی می‌شوند و این جنایت همچنان ادامه دارد، بدون آنکه اقدام خاصی را برای محکومیت آن از طرف سازمان‌های بین‌المللی شاهد باشیم.»

او با بیان اینکه تا دیروز یعنی



حدود ۲۸۶ مرکز بهداشتی و درمانی تا این لحظه آسیب دیده‌اند و ۶ بیمارستان در پی حملات جنایتکارانه دشمن به طور کامل تخلیه شده است



مراکز امن شناخته می‌شوند، حالا مراکز بهداشتی نظام سلامت هم که محل رجوع مادران باردار، نوزادان و سالمندان است، مورد حملات دشمن قرار گرفته، به طوری که تاکنون حدود ۱۶۰ مرکز بهداشتی اعم از خانه‌های بهداشت و مراکز جامع شهری و روستایی دچار حادثه شده که متأسفانه در پی این حملات بعضی از مراجعان هم مجروح شده‌اند.»

#### آسیب به ۲۸۶ مرکز بهداشتی و درمانی کشور

سخنگوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به اینکه حدود ۲۵ نفر از همکاران خانه بهداشت در شهرهای مختلف دچار آسیب شده‌اند، می‌گوید: «برائرت شدت حملات و آسیب‌های وارده، سه نفر از همکاران ما در خانه‌های بهداشت به شهادت رسیدند. اگر نگاهی به

مراکز درمانی و بیمارستانی بیندازیم، تا این لحظه از انجام مصاحبه-صحیح‌دوشنبه ۳۰ مرکز درمانی آسیب دیده که منجر به مجروحیت ۸ پرسنل درمانی شده است. متأسفانه ۱۱ نفر از همکاران کادر درمان هم جانشان را فدای مردم و میهن کرده‌اند. در بخش اورژانس پیش‌بیمارستانی، ۴۷ پایگاه و ستاد اورژانس آسیب دیده و ۱۲۷ آمبولانس هم دچار حادثه



از هفته گذشته علاوه بر حملات به مراکز درمانی کشور که از منظر کنوانسیون‌های بین‌المللی مراکز امن شناخته می‌شوند، حالا مراکز بهداشتی نظام سلامت هم که محل رجوع مادران باردار، نوزادان و سالمندان است، مورد حملات دشمن قرار گرفته است

#### کوچک‌ترین شهید نوزاد پنج ماهه است

دکتر کرمانپور با اشاره به شهادت زنان و کودکان در این ۱۷ روز جنگ رمضان توضیح می‌دهد: «۲۲۶ نفر از زنان این سرزمین در پی حملات وحشیانه دشمن صهیونی-آمریکایی به مراکز غیرنظامی شهید شده‌اند که کوچ‌کترین‌شان نوزادی ۵ ماهه است. بر اساس آمارهایی که داریم، بیش از سه هزار نفر از مجروحان را زنان به خود اختصاص داده‌اند و کوچک‌ترین مجروح جنگ سوم، نوزادی یک ماهه

شده و تعدادی از آنها دیگر قابل استفاده نیستند و از چرخه خدمت خارج شده‌اند. در حین مأموریت هم سه تن از همکاران اورژانس کشور جانشان را فدای میهن کرده و شهید شده و همچنین ۶۸ نفر هم دچار انتقال خون، بانک خون و انبارهای نظام سلامت است هم از حملات وحشیانه دشمن در امان نبوده که در مجموع می‌توان گفت حدود ۲۸۶ مرکز بهداشتی و درمانی تا این لحظه آسیب دیده‌اند و ۶ بیمارستان در پی حملات جنایتکارانه دشمن به طور کامل تخلیه شده است. در این میان نزدیک به ۱۰۱ نفر از کادر سلامت دچار مصدومیت شده و ۱۷ نفر هم جانشان را فدای مردم کرده‌اند.»

#### بیش از یک‌هزار نفر از مجروحان هنوز بستری هستند

به گفته سخنگوی وزارت بهداشت، تا این لحظه ۱۳۰۰ نفر از مجروحان جنگ تحمیلی سوم، کودکان کمتر از ۱۸ سال هستند. او می‌گوید: «۷۷ نفر از مجروحان، کمتر از ۵ سال و ۴۵ نفرشان هم کمتر از دو سال سن دارند. همین آمار نشان‌دهنده جنایت جنگی علیه کودکانی است که هنوز شیرخوار محسوب می‌شوند. اگر نگاهی به آمار کودکان شهید بیندازیم، بیش از ۲۰۰ نفرشان کمتر از ۱۸ سال و ۱۳ نفر از کودکان شهید هم کمتر از ۵ سال سن دارند. این ارقام نشان می‌دهد این حجم از جنگ‌افروزی دامن کودکان و زنان غیرنظامی را گرفته است و متأسفانه همچنان هم ادامه دارد.»

دکتر کرمان‌پور در مورد مجروحان جنگی که هنوز در مراکز درمانی بستری هستند هم توضیح می‌دهد: «بیش از یک‌هزار نفر از مجروحان جنگ رمضان در بیمارستان‌های مختلف کشور بستری بوده و هنوز در حال دریافت خدمات درمانی‌اند. تعدادی از آنها هم در بخش ICU بستری هستند که حال عمومی خوبی ندارند.»

### سخنگوی وزارت آموزش و پرورش:

## ساختمان مدرسه میناب به عنوان سند جنایت دشمن باقی می‌ماند



### گزارش

#### غزل رضایی ثانی

گروه اجتماعی

ماه آغاز می‌شود. این برنامه در حالی اجرایی خواهد شد که جنگ به زودی پایان بی‌بیرد و نیازی نباشد ما زمان آن را تغییر بدهیم. اما اگر بخواهیم برنامه را تغییر دهیم، حتماً اطلاع‌رسانی می‌کنیم. در حال حاضر برنامه‌های امتحانات نهایی که برای پایه نهم و دوازدهم اعلام شده با برجاست. برنامه امتحانات خرداد به ویژه امتحانات نهایی اعلام شده و تقویم این امتحانات روی سامانه‌های مرکز سنجش آموزش و پرورش وجود دارد.»

مسئول وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اینکه ما نگرانی والدین برای حضور فرزندان آنها در مدرسه در درک می‌کنیم، می‌گوید: «دانش‌آموزان و والدین محترم نگران نباشند، اگر شرایط به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان عزیز دچار مشکل شوند، حتماً در این برنامه امتحانی تجدید نظر خواهیم کرد. ما در آموزش و پرورش به دغدغه‌های والدین ضریب می‌دهیم و به نواحی برنامه‌ریزی می‌کنیم که حداقل استرس و نگرانی را داشته باشند.»

او همچنان با تأکید بر اینکه برنامه آموزش حضوری هر استان به همان استان مربوط می‌شود، می‌گوید: «در زمان دفاع مقدس هم دانش‌آموزان به مدرسه می‌رفتند، اما نه در مدرسه خودشان بلکه در مدرسه‌ای که امن تر بود. البته ماهیت جنگ هشت ساله با جنگ امروز متفاوت است و باید به خانواده‌ها حد داد. کلاً نحوه این جنگ و دفاع امروز با جنگ دفاع مقدس تفاوت دارد. آن موقع جنگ در خطوط مقدم جبهه متمرکز بود و هرچه ما از خط مقدم فاصله می‌گرفتیم فضای شهرها هم امن‌تر می‌شد، اگرچه در آن زمان از سوی صدام به سمت ایران موشک پرتاب می‌شد، اما به هر حال مدارس فعال بودند. بر همین اساس در حال حاضر برنامه آموزش حضوری برای هر استان متفاوت است و به استان‌ها در این زمینه تفویض اختیار داده شده است.»

سخنگوی آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه فعلاً آموزش‌ها غیرحضوری است، می‌گوید: «تا پایان اسفندماه آموزش غیرحضوری است و بعد از آن هم تعطیلات نوروز را در پیش داریم. اگر بعد از تعطیلات نوروز قرار بازگشایی مدارس باشد، ما حتماً آن را به همه اعلام خواهیم کرد. اگر شرایط جنگ تغییر کرده بود و مسأله‌ای نداشتیم، همه چیز به صورت عادی ادامه پیدا خواهد کرد و مدارس از ۱۵ فروردین بازگشایی می‌شوند که در این صورت نیازی هم به تغییر برنامه‌های درسی و امتحانی نیست. اما اگر از ۱۵ فروردین به بعد هم شرایط مانند حالا بود، حتماً زودتر، تصمیم‌گیری را اعلام خواهیم کرد.»

#### تاریخ برگزاری امتحانات نهایی اعلام شد

آموزش و پرورش تاریخ برگزاری امتحانات نهایی خرداد ۱۴۰۵ را اعلام کرده، اما این برنامه امتحانی به گفته سخنگوی آموزش و پرورش در صورت ادامه‌دار بودن جنگ، تغییر خواهد کرد. فرهادی در این باره می‌گوید: «طبق برنامه‌های اعلام شده، امتحانات از ۱۱ و ۱۲ خرداد

### گزارش «ایران» از امدادگرانی که یک لحظه از نجات جان مردم غافل نمی‌شوند

## شجاعان در قلب آتش

### گزارش

#### مهسا قوی قلب

گروه اجتماعی

او که متولد ۱۳۷۲ و جوان‌ترین رئیس جمعیت مناطق هلال احمر است، فعالیت خود را از ۱۴ سال پیش آغاز کرده و اکنون در منطقه ۱۹ تهران

سکاندار عملیات‌های امدادی است. رسول نژاد با تأکید بر اینکه جنایات اخیر دشمن در هدف قرار دادن مراکز امدادی، فقط عزم نیروهای هلال احمر را برای خدمت‌رسانی صادقانه به مردم استوارتر می‌کند، می‌گوید: «پدرم که هشت سال در جبهه‌های جنگ زیر توپ و تفنگ ایستادگی کرد، همیشه به من توصیه می‌کند که امروز نوبت شمامست تا در این برهه حساس و زیر حملات دشمن، در کنار مردم بمانید و به آن‌ها کمک کنید.»

او با یادآوری یکی از تلخ‌ترین صحنه‌های عملیاتی می‌گوید: «در یکی از مأموریت‌ها، یک‌دختر چپه‌ای را از زیر آوار بیرون کشیدیم. آن لحظه گویی تمام درهای عالم بر سر من ریخت. اینها واقعیت‌های تلخی است که ما هر روز با آنها مواجهیم. اینکه دشمن پایگاه‌های امدادی ما را هدف قرار می‌دهد، نشان‌دهنده اوج ضعف

و درماندگی آن‌هاست. آن‌ها گمان می‌کنند با حمایت‌های روانی جمعیت هلال احمر که ۲۹ سال دارد، از همان روز اول حملات وحشیانه دشمن در بخش امدادهای روانی در صحنه‌های مختلف حاضر بوده و فقط دو روز آن هم برای بردن مادر سالمند و بیمارش به شهرستان مجبور به ترک صحنه جنگ شده است. او می‌گوید: «در کل تهران حدود ۴۰۰ نفر در قالب تیم‌های اعزام داریم که هر تیم ۱۴ تا ۱۵ نفر اصلی دارد. همگی آماده‌اند تا به محض بروز حادثه، برای حمایت روحی از مردم ویژه‌زنان و کودکان حاضر در صدا ایستاده‌اند و به نجات‌یافته‌های بحرانی‌است تا منابع از فروپاشی روحی آسیب‌دیدگان شوند.»

سهیلا فرزین، سرتیم تیم‌های «سحر» (سفیران حمایت‌های روانی) جمعیت هلال احمر که ۲۹ سال دارد، از همان روز اول حملات وحشیانه دشمن در بخش امدادهای روانی در صحنه‌های مختلف حاضر بوده و فقط دو روز آن هم برای بردن مادر سالمند و بیمارش به شهرستان مجبور به ترک صحنه جنگ شده است. او می‌گوید: «در کل تهران حدود ۴۰۰ نفر در قالب تیم‌های اعزام داریم که هر تیم ۱۴ تا ۱۵ نفر اصلی دارد. همگی آماده‌اند تا به محض بروز حادثه، برای حمایت روحی از مردم ویژه‌زنان و کودکان حاضر در صدا ایستاده‌اند و به نجات‌یافته‌های بحرانی‌است تا منابع از فروپاشی روحی آسیب‌دیدگان شوند.»

او با اشاره به یکی از مأموریت‌های ویژه خود در مراکز بهزیستی توضیح می‌دهد: «پس از حملات دشمن به نقاطی از تهران، مأموریت یافتیم تا به یکی از مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست برویم. حدود ۴۸ کودک در آنجا حضور داشتند که برای در امان ماندن از خطر انفجار به محوطه حمام مرکز برده شدند، این بچه‌ها پشت از صدای انفجارها ترسیده بودند. تیم‌های روانشناسی و امدادی ما با اجرای برنامه‌های بازی و گفت‌وگوهای هدفمند، تلاش کردند فضای رعب و وحشت را به آرامش تبدیل کنند. دیدن لبخند دوباره این کودکان در میانه جنگ، بزرگ‌ترین انگیزه برای ادامه مسیر ماست.»

این امدادگر جوان به دشواری‌های کار ستادی و آماری‌گر در شرایط جنگی نیز اشاره می‌کند که می‌گوید: «ساختمان اداری ما در نزدیکی مناطق حساس قرار داشت و حتی دست‌نخور تخلیه نیز صادر شده بود؛ با این حال، تا پنج روز در محل کار ماندیم تا گزارش‌ها و آمار مصدومان و شهدا را به صورت لحظه‌ای ثبت و



عکس: بهنام ابوالقاسمی

وارد سیستم‌کنیم. صدای انفجارها کلاماً شنیده می‌شد، اما احساس وظیفه اجازه نمی‌داد سنگ اطلاع‌رسانی و ثبت وقایع را خالی کنیم.» او با تمجید از همکاران عملیاتی خود می‌گوید: «خستگی را شاید بشود در چشمان نیروها دید، اما وقتی کنار هم جمع می‌شوند، با شوخی و حفظ روحیه، اجازه نمی‌دهند فضای ناراحت‌کننده حاکم شود.»

#### لنز دوربین، آشک کودکان را به لبخند

بهنام ابوالقاسمی امدادگر، مستندساز و عکاس با سابقه جمعیت هلال احمر، درباره حضور شبانه‌روزی در خط مقدم نبرد و آواربرداری به عکس‌های خوب از ایثارگری‌ها هستند، اما در میان بحران‌ها حضور دارم. در کنار عملیات نجات، روایتگری تاریخ را نیز برعهده دارم. با شنیدن خبر حمله، سریع سوار موتورسیکلت می‌شوم تا از جمله اولین نفراتی باشم که برای امداد رسانی و در کنارش به تصویر کشیدن تاریخ به منطقه می‌رسد.»

ابوالقاسمی که ۴۲ ساله است و حدود ۲۰ سال سابقه داوطلبی در جمعیت را دارد، از اولین ساعات آغاز تهاجم، از آذربایجان غربی تا تهران آمده تا در ساعت ۴ صبح دومین روز جنگ، در میدان حاضر باشد.

این امدادگر و مستندساز با اشاره به ویرانی‌های مجتمع مسکونی رسالت، از لحظات سختی می‌گوید که نباید احساسات بر کار حرفه‌ای غلبه کند: «در میان آوارها، وقتی عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌های بچه‌ها را ببیند می‌گردیم، فضا بشدت سنگین می‌شود. در آن لحظات،

دوربین عکاسی برای من تبدیل به ابزاری برای امداد روانی می‌شد. از بچه‌های ترسیده عکس می‌گرفتم و روی صفحه نمایش به آن‌ها نشان می‌دادم و می‌گفتم که بین قدر قشنگ افتادی، اگر گریه کنی عکست بد می‌شود. همین بهانه کوچک، لبخندی را بر لبانشان می‌نشانده کمی آرامشان می‌کرد.»

ابوالقاسمی با انتقاد از برخوردهایی که مانع ثبت وقایع می‌شود، تأکید می‌کند که سختی کار فقط آواربرداری و دیدن صحنه‌های فبیح نیست، بلکه پاسخ به این سؤال تکراری است که چرا عکاسی می‌کنی؟: «متأسفانه هنوز جایگاه خبرنگار و عکاس در بحران به درستی درک نشده است. وقتی فشار کم می‌شود، همه نهادها دنبال عکس‌های خوب از ایثارگری‌ها هستند، اما در حین حادثه، اجازه ثبت حقیقت را نمی‌دهند. ما میراث‌دان نگاه شهید آوینی و بزرگانی چون آلفرد یعقوب‌زاده هستیم و می‌خواهیم یادآوری این مردم را در تاریخ ثبت کنیم.»

بخشی از زندگی این امدادگر، رابطه عاطفی او با مادرش است. او که پدرش را در کودکی از دست داده، تنها تکیه‌گاه مادری‌است که نگران فرزندش است.

ابوالقاسمی می‌گوید: «مادر می‌دانست که من نمی‌توانم در خانه بمانم و حتماً راهی تهران می‌شوم. این زندگی من است که از ۱۸ سالگی و زلزله‌یم با حادثه گره خورده است. برای اینکه ما مردم متوجه خستگی و بی‌خوابی‌ام نباشد، کمتر تماس می‌گیرم و بیشتر پیامک می‌دهم تا صدای لرزان یا خسته‌ام او را نگران نکند، گاهی فقط یک جمله می‌گویم که حالم خوب است و او هم جواب می‌دهد الهی شکر، من هم خخوم.»